




بررسی تأثیر شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی بر افول هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا

محسن نصر اصفهانی*  استادیار گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران؛ ایران

زهرا کرانی  استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

حسن علییاری  استادیار گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

افول هژمونی آمریکا از مهم‌ترین مباحث مطرح و حائز اهمیت در ادبیات روابط بین‌الملل در طی سالیان اخیر بوده که همواره ذهن بسیاری از تحلیل‌گران و سیاستمداران جهانی را به خود مشغول ساخته است. در طی دهه‌های اخیر با الگوپذیری سایر ملت‌های منطقه از مبانی و اصول تحول‌زای انقلاب اسلامی و با بهره‌گیری از تحولات بیداری اسلامی، شیوه‌ای از ائتلاف نانوخته بین دولت‌ها و ملت‌های منطقه غرب آسیا با محوریت قدرت مقاومت اسلامی جهت مقابله با سیاست‌های استکباری و در نهایت افول تدریجی هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا شکل گرفت. سؤال اصلی پژوهش حاضر بدین شکل مطرح می‌شود که شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا چه تاثیری بر افول هژمونی آمریکا داشته است (مسئله)؛ با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی به پژوهش حاضر خواهیم پرداخت (روش)؛ یافته‌های حاصل از پژوهش در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نشان دهنده مولفه‌هایی چون: وحدت و تنش‌زدایی بین دولت‌ها در منطقه غرب آسیا، پویایی و شکل‌گیری موازنه قدرت در عرصه بین‌الملل، خشم و انزجار عمومی ملت‌ها از آمریکا در منطقه غرب آسیا، گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی و پویایی نظام اسلامی در درون ملت‌ها و دولت‌های منطقه، شکست ائتلافات و اتحادهای جهانی با محوریت آمریکا و هم‌پیمانان آن می‌باشد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: محور مقاومت، افول آمریکا، نظم هژمونی، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی.

دریافت: ۱۴۰۱-۱۲-۱۵

* نویسنده مسئول nasresfahani@pnu.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۲-۱۳

صفحات مقاله: ۱۴۸-۱۲۹

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان حاکمیت نظام دوقطبی در جهان، بیش تر کشورهای آمریکا را تا اوایل قرن بیست و یکم به عنوان هژمون جهانی قلمداد می کردند، چراکه آمریکا موقعیت برتری در عرصه های نظامی، اقتصادی و سیاسی در دوره بعد از جنگ سرد پیدا کرده بود و در صدد بود تا پروژه نظم نوین جهانی را بعد از فروپاشی شوروی به مرحله اجرا در آورد. حوادث ۱۱ سپتامبر و ضعف سیستم های سیاسی و فرهنگی برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا باعث شد تا دولت های منطقه با حضور آمریکا در تصمیم گیری و نقش آفرینی کشورهایشان هیچ گونه اعتراض و ممانعتی نداشته باشند، اما از طرفی ارزش های معنایی منبث از انقلاب اسلامی به سایر ملت های منطقه سرایت پیدا کرد و دشمنی آمریکا با پدیده بی نظیر انقلاب اسلامی آغاز شد و از زاویه دیگر خیزش ها و جنبش های مردمی با محوریت آزادی خواهی و استقلال ملی - میهنی با بهره گیری از ارزش های متعالی انقلاب اسلامی در مقابل سیاست های استکباری آمریکا در منطقه غرب آسیا شکل گرفته تا نظم نوین جهانی را به چالش بکشانند و با شکل دادن به ائتلافات و اتحادهای منطقه ای با محوریت قدرت مقاومت اسلامی مقابل هژمونی آمریکا در غرب آسیا با هدف طرد و افول آن عرض اندام کنند. در حالی که آمریکا خود را مدافع حقوق بشر و دموکراسی معرفی کرده بود، با نقش آفرینی مؤثر و مناسب محور مقاومت اسلامی، وضعی اساسی در مولفه های قدرت آمریکا به وجود آمد، فجایعی همانند کشتار فلسطینیان، سوری ها، عراقی ها و بی توجهی به قوانین بین المللی باعث شد که آمریکا در روابط بین الملل جذابیت و مشروعیت گذشته خود را تا حدودی از دست بدهد. با افزایش قدرت محور مقاومت اسلامی در طی چند دهه اخیر شاهد کاهش حضور آمریکا در غرب آسیا (خروج از عراق و افغانستان، شکست طرح خاورمیانه بزرگ، سرنگونی رژیم های وابسته منطقه، بیداری اسلامی، افزایش حضور چین در منطقه به ویژه در حوزه اقتصادی)، افزایش ائتلافات درون منطقه ای با محوریت محور مقاومت و ... هستیم که از نشانگان مختلف افول تدریجی آمریکا در منطقه غرب آسیا است. مفهوم «افول» توسط نویسندگان، تحلیلگران و رهبران سیاسی در روابط بین الملل در زمان های مختلف بیان و به کارگیری شده و در طی دهه اخیر با فرهنگ سیاسی ملت های منطقه غرب آسیا به طرز عجیبی مانوس شده است. واژه هژمونی با افزایش قدرت و توانایی بازدارندگی قدرت های منطقه غرب آسیا ارزش سیاسی و راهبردی خود را از دست داده است. مسئله اصلی پژوهش بدین صورت است که گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی چه تاثیری بر افول هژمونی

آمریکا در منطقه غرب آسیا داشته است و با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی به پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

بسیاری از پژوهشگران و تحلیل‌گران با ذکر شاخصه‌های متعدد در سیاست خارجی و داخلی آمریکا، شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا را از تاثیر گذارترین متغیرهای حائز اهمیت در افول هژمونی آمریکا می‌دانند. در ذیل به چند مورد از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اشاره خواهیم کرد.

حسن محمد میرزایی (۱۴۰۱) در موضوعی با عنوان «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا» بیان کردند که؛ انقلاب اسلامی از یک سو در سطح گفتگمانی، اندیشه‌های لیبرالیسم غربی را با اقداماتی مانند کناره‌گیری از اتحاد راهبردی با آمریکا به صورت جدی به چالش کشیده است، حمایت از جنبش‌های ضد استکباری در منطقه غرب آسیا، ایجاد روحیه بیدارگری اسلامی با ایجاد محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا، تضعیف جایگاه و قدرت رژیم صهیونیستی در بین ملت‌های منطقه و به چالش کشیدن قدرت نظامی آمریکا، از جمله متغیرهایی است که هژمونی آمریکا را در منطقه غرب آسیا با چالش مواجه کرده است.

پیرانی و سعیدی‌راد (۱۴۰۰) در موضوعی با عنوان «افول سیاسی ایالات متحده آمریکا؛ زمینه‌ها و دلایل» تحلیل کردند که؛ ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، خود را به عنوان قدرت اول جهان (هژمونی برتر) معرفی کرد و با برتری قابل توجهی در عرصه سیاسی - نظامی و اقتصادی، موقعیت مناسبی در عرصه بین‌الملل به دست آورد؛ اما در حال حاضر، نشانه‌هایی مبتنی بر افول سیاسی این کشور نیز قابل مشاهده است. در حقیقت شواهد نشان می‌دهد که آمریکا از نظر سیاسی (دموکراسی، حقوق بشر، سیاست خارجی، قدرت نرم و...) فاصله‌اش با سایر رقبا کاهش یافته و در برخی موارد به هم دیگر نزدیک شده‌اند.

بیات و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «پسا کرنا، افول هژمونی آمریکا و ظهور جهان منطقه‌ای ایران» بیان داشتند که کاهش تدریجی قدرت نسبی ایالات متحده، مهم‌ترین مشخصه دهه دوم قرن بیست و یکم است. بیش‌تر عوامل قدرت جهانی آمریکا در حال دگرگونی هستند و به سویی می‌روند که افول هژمونی آمریکا را فراهم کنند، از این رو برای مدیریت بی‌ثباتی ناشی از افول هژمونی، ایجاد حاکمیت منطقه‌ای ضرورت می‌یابد، آمریکا و لزوم مواجهه با پیچیدگی‌های جهانی این حاکمیت بر پایه نهادها، هنجارها و سازمان‌های منطقه‌ای است که

جایگزین نهادها و مؤسسات جهانی می‌شوند. بنابراین نشانگان افول هژمونی آمریکا را در دوران پس از کرونا را می‌توان در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی مشاهده کرد.

نوری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «چالش نظم هژمونیک، سیاست موازنه در خاورمیانه؛ رویکرد و همکاری ایران و روسیه» عنوان کرد؛ برای موازنه‌سازی در سطح کلان در مقابل رویکرد و عملکرد بی‌ثبات‌ساز آمریکا در سطح منطقه‌ای با تأکید بر موازنه گسترده منطقه‌ای در تعدیل نظم و تأمین ثبات راهبردی مؤثر است. گرچه سیاست مسکو در این خصوص محدودیت‌هایی برای تهران ایجاد می‌کند، اما برخی ابعاد آن از جمله بازدارندگی در برابر آمریکا و متحدان آن در راستای قدرت‌گیری ایران و متحدان منطقه‌ای آن (محور مقاومت اسلامی) خواهد بود. با گسترش قدرت محور مقاومت و افزایش تعاملات با کشورهای همسایه شمالی از جمله روسیه، در حال حاضر شاهد کاهش قدرت آمریکا در منطقه غرب آسیا هستیم.

هرچند منابع ذکر شده فوق به صورت نسبی می‌توانند در پژوهش پیش‌رو ما را یاری نمایند، ولی هر کدام از زاویه‌ای متفاوت و متغیری خاص به موضوع افول پرداخته‌اند. در زمینه افول متغیرهای متعددی در روابط بین‌المللی تأثیرگذار هستند که در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش آفرینی خواهند داشت. تأثیر شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت از موضوعاتی کلیدی است که به عنوان یک متغیر و کنش‌گر خاص بر افول هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا تأثیر مستقیمی گذاشته است و تاکنون پژوهشی در این زمینه با کنش‌گری قدرت محور مقاومت اسلامی به عرصه قلم درنیامده است.

چارچوب مفهومی

محور مقاومت

محور مقاومت به عنوان یک گفتمان و قدرت‌نویز ظهور دارای اهداف و انگیزه‌های متعددی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است و به الگوی جامع و بی‌نظیری برای جهان اسلام و سایر ملل تبدیل شده است. ارزشی و مکتبی بودن، استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، وحدت‌طلبی و... گفتمان محور مقاومت اسلامی را از سایر قدرت‌های جهانی متمایز ساخته است.

محور مقاومت به عنوان یک مقوله‌رهای بخش در قالب پارادایم برخورد با نظام سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی و نظام بین‌الملل است، در واقع چنین

مقاومتی، مقاومت ارزشمند و فعال برخاسته از انقلاب اسلامی، متن قرآن و سنت رسول الله است. چالش در برابر هژمونی گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی از مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل است (اسلامی و داوند، ۱۳۹۷: ۸۴). مقاومت اسلامی دارای یک بخش نفی (سلبی) و یک بخش اثباتی (ایجابی) است. در مرکز بُعد سلبی مقاومت، ظلم ستیزی و مقابله با هژمون قرار دارد و مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت، عدالت‌خواهی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی است (بصیری و مجیدی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۵). جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشقراول محور مقاومت اسلامی درصدد ایجاد یک مجموعه امنیتی با حضور دیگر کشورهای منطقه جهت مقابله در برابر سیاست‌های آمریکا در منطقه راهبردی غرب آسیا و در تقابل مستقیم با رژیم صهیونیستی است. دو بازیگر مؤثر (ایران و سوریه) و همسایگی و نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات هویتی (فرهنگ، نژاد و قومیت) و ایدئولوژیکی، وابستگی‌های متقابل امنیتی و حاکمیت الگوهای دوستی و دشمنی، سبب گردیده است تا علاوه بر این که مجموعه امنیتی محور مقاومت به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیتی خاورمیانه به شمار آید، بلکه شاید مهم‌ترین و پایدارترین آن به حساب آید. محور مقاومت اسلامی یکی از متغیرهای تاثیرگذار در روند افول تدریجی ایالات متحده آمریکا همواره نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). محور مقاومت اصطلاحی است که دلالت بر کشورها و گروه‌هایی دارد که در مقابل هژمونی و سلطه‌گری آمریکا مقاومت می‌کنند. این محور در مقابل ظلم، تجاوز، اشغال‌گری، دین ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آن‌ها شکل گرفته است و هدف این محور احیای حقوق از دست رفته مسلمانان، دفع ظلم، رفع اشغال‌گری و حفظ استقلال و جلوگیری از سلطه است. در این پژوهش منظور دقیق از این واژه، ج. ا. ایران و گروه‌های مقاومت اهل فلسطین، لبنان، عراق، سوریه و یمن می‌باشد.

افول هژمونی

ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی شوروی خود را به عنوان قدرت اول جهان (هژمونی برتر) معرفی کرد و در عرصه نظامی، سیاسی و امنیتی، موقعیت مسلطی در عرصه روابط بین‌الملل به دست آورد؛ اما در حال حاضر، نشانه‌هایی مبتنی بر افول هژمونی آمریکا نیز قابل مشاهده است. مطالعات نشان داده است که آمریکا در موضوعات (دموکراسی، حقوق بشر، سیاست خارجی، قدرت نرم و...) فاصله‌اش با سایر رقبای در حال کاهش بوده و در برخی موارد از عرصه رقابت با آن‌ها باز مانده است.

در بررسی تاریخی، ظهور یک ابرقدرت و قدرت هژمون و زوال و افول ابرقدرت‌ها یک روند طبیعی است؛ اما چرا و چگونه افول اتفاق می‌افتد، جای تحقیق و تأمل دارد. برخی از تئوری پردازان مانند کندی فرآیندهایی برای ظهور و سقوط ابرقدرت‌ها در نظر می‌گیرند (کندی، ۱۹۸۹). نظریات گوناگونی در مورد افول ابرقدرتی آمریکا در منطقه غرب آسیا و عرصه بین‌الملل وجود دارد. کاهش جذابیت و مشروعیت آمریکا در منطقه غرب آسیا و سطح جهانی با ایجاد و گسترش محور مقاومت اسلامی سرعت و شدت بیش‌تری گرفته است. نظریات و دیدگاه‌های متعددی در مورد افول آمریکا در منطقه غرب آسیا قابل طرح است؛ دسته اول کسانی هستند که اذعان دارند علی‌رغم کاهش سهم جهانی تولید ناخالص داخلی آمریکا از ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۶ به زیر یک چهارم در سال ۲۰۰۸ بوده است، اما هم‌چنان شرکت‌های آمریکایی بر دیگر شرکت‌ها مسلط هستند و احتمال می‌دهند هژمونی آمریکا پایدار و در آینده استمرار می‌یابد (رژیم، ۲۰۱۹: ۱۵۹). دسته دوم اندیشمندانی هستند که اذعان دارند کشورهایمانند چین و روسیه، چالشی برای آمریکا هستند. والرشتاین، رکود اقتصادی دهه ۱۹۷۰ و حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را عامل آسیب‌پذیری آمریکا اعلام کرد، هم‌چنین جولیان گوبر این باور است که شروع دوره تجاوزگری آمریکا باعث شد عوامل سیاسی، نظامی و اقتصادی که به هژمونی آمریکا کمک می‌کردند، دیگر بازتولید نشود. این دسته از اندیشمندان بر این باورند که در خوش‌بینانه‌ترین حالت دیگر آمریکا قدرت هژمون نیست، بلکه در قرن بیست و یک شاهد ظهور قدرت‌های متعدد خواهیم بود (پیرانی و رضوی، ۱۳۹۹: ۹۵). دسته سوم، علاوه بر جنگ با تروریسم، دلایل سیاسی رانیز برای افول هژمونی در نظر گرفته‌اند و بر این باورند که سیاست‌های نئولیبرال آمریکا در طی دو دهه اخیر باعث افزایش بی‌عدالتی شده و سبب تضعیف بنیادهای قدرت در این کشور شده است و این به دلیل عدم مشروعیت‌گفتمانی و سیاست‌های نئولیبرال و بی‌عدالتی گسترده در داخل و خارج آمریکا است که دفاع از آن‌ها به افول آمریکا سرعت بخشیده است چراکه آمریکا با فروپاشی شوروی به صورت تک‌روی و یک‌جانبه‌گرایی عمل کرده است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰).

۱. انقلاب اسلامی و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی

انقلاب اسلامی ایران از تاثیرگذارترین انقلاب‌های بزرگ تاریخ است که باعث ایجاد تحولات مهمی در عرصه بین‌الملل شده است، انقلاب اسلامی از زمان پیدایش به مثابه گفتمان اسلامی در برابر تمدن غربی عرض اندام کرده است و همواره با آن در نزاع بوده است و الگوی

مقاومت اسلامی را به ملت‌های ستمدیده و تحت استعمار جهانی سرایت داده است. انقلاب اسلامی در سطح گفتمانی، اندیشه هژمونی آمریکا را به صورت جدی به چالش کشیده است و از سوی دیگر با اقداماتی مانند کناره‌گیری از اتحاد راهبردی با آمریکا، تسخیر سفارت این کشور در ایران، ایجاد روحیه بیدارگری اسلامی در منطقه غرب آسیا، تضعیف جایگاه رژیم صهیونیستی، حمایت از جنبش‌های ضد استکباری، تأثیر بسزایی در گسترش حرکت‌های آزادیخواهانه به طور خاص بیداری اسلامی و در نتیجه افول تدریجی هژمونی آمریکا داشته است (ساعی و ترابی، ۱۳۹۸: ۱۴۲). ابعاد ماهوی و ارزشی انقلاب اسلامی نقش موثری در شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی داشته است که مجموعه عظیمی از مفاهیم و دال‌های مرکزی اسلامی را در خود جای داده است.

۱-۱. انقلاب اسلامی عامل اتحاد مقاومت اسلامی

انقلاب اسلامی بر مبنای اندیشه‌ها و جهان‌بینی شیعیان در عرصه بین‌الملل عامل تحولات مهمی از جمله؛ اتحاد ملت‌های تحت ظلم و ستم در منطقه غرب آسیا با پیوستن به گفتمان محور مقاومت اسلامی، مبارزه با حضور استعمارگران خارجی و به چالش کشیدن هژمونی آمریکا در غرب آسیا با انسجام بخشی به هویت شیعیان که افکار عمومی جهان را متوجه خود کرده است. خیزش‌ها و جنبش‌های ملت‌های منطقه با عنوان بیداری اسلامی و الگو گرفته از انقلاب اسلامی، به عنوان کنشگر تاثیرگذار در هویت بخشی به محور مقاومت اسلامی توانسته به مقابله با هژمونی آمریکا در غرب آسیا پردازد (حسن محمد میرزایی، ۱۴۰۱: ۳۵). انقلاب اسلامی با ایجاد کردن بسترهای تاریخی و تمدنی در عصر حاضر، قادر شده به نیروی اصلی تحولات چند دهه اخیر جهان تبدیل شود و توانسته همه ملت‌های تحت ستم منطقه غرب آسیا را در زیر پرچم مبارزه با قدرت طلبی آمریکا گردهم آورد. پیوستگی و انسجام کشورهای عضو محور مقاومت اسلامی (ایران، عراق، سوریه و لبنان) با بهره‌گیری از اصول تحول‌زای انقلاب اسلامی در طی دهه‌های اخیر به موجی عظیم در برابر هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است (کچوئیان، ۱۳۹۱: ۷۱). فوکو انقلاب اسلامی را به دلیل شباهت و توانمندی‌های نهفته در آن با الگوهای مکتب اسلام همسان می‌داند و این قابلیت و پتانسیل را داراست تا بتواند با اتحاد درون منطقه‌ای با اعضای محور مقاومت در غرب آسیا به عاملی جهت انسجام ملت‌ها در مقابل هژمونی آمریکا تبدیل شود، اهمیت تاریخی انقلاب اسلامی به عنوان قابلیت‌هایی که توانسته ارکان سیاسی منطقه غرب آسیا و در نتیجه توازن راهبردی جهان را تغییر و دستخوش تحولات گسترده نماید و توازن

قدرت را در جهان با رکن جدایی‌ناپذیر محور مقاومت اسلامی برقرار نماید (فوکو، ۱۹۷۹: ۳۲). در متن انقلاب اسلامی مقوله‌هایی هم‌چون استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، احیای هویت اسلامی و مبارزه با حضور استعمارگران نهفته است که به مقوله‌های انسجام بخش در راستای گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی تبدیل گشته‌اند و به عنوان عامل بازدارنده جهت مقابله با نفوذ و حضور هژمونی آمریکا در غرب آسیا تبدیل گشته است.

۱-۲. شکل‌گیری ائتلاف مقاومت اسلامی برضد هژمونی آمریکا

انقلاب اسلامی با وجود تمامی مشکلات و دشمنی‌ها، طی چند دهه اخیر به صورت تمام قدر برابر سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا به عنوان یک کنش‌گر مؤثر و مطلوب ایفای نقش نموده است و توانسته ایده‌ها و ارزش‌های اسلام را به عنوان یک عامل سازنده و مطلوب به هژمونی آمریکایی بقبولاند، امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را عامل جنایت‌های جهانی می‌داند و از آمریکا در بیانات خود به عنوان شیطان بزرگ جهانی یاد می‌کند (خمینی، ۱۳۹۹، ج ۱۰، ص ۴۸۹). مهم‌ترین مشخصه دهه دوم قرن بیست و یکم کاهش تدریجی قدرت نسبی ایالات متحده آمریکا است. از دیدگاه اغلب ناظران آگاه از آنجایی که عمده رقبای ایالات متحده آمریکا در امور نظامی و اقتصادی در آسیا قرار دارند و جابجایی قدرت از غرب به شرق و وجه تمایز آن با سایر دوره‌های انتقال قدرت و خاتمه چیرگی تمدن غربی بر سیاست و فرهنگ جهانی بوده است. انقلاب اسلامی به عنوان یک نهضت تحول‌خواهانه علاوه بر تغییر و تحول در نظم جهانی باید در مقابله با هژمونی برتر جهانی به عنوان یک عامل بازدارنده تاثیرگذار نقش آفرینی فعالانه داشته باشد و به خوبی درصدد ایفای نقش سازنده در جهت مقابله با هژمونی آمریکا در غرب آسیا قرار گرفته است (چگکی‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۰). نظرسنجی‌های انجام شده در سال ۲۰۱۸ در میان ۱۳۴ کشور نشان داده که میزان محبوبیت سیستم‌های حکومتی روسیه و چین در حال افزایش است، در حالی که سیستم حکومتی آمریکا محبوبیت خود را به ویژه در دوره ترامپ تا حد زیادی از دست داده است (در دوره اوباما ۴۸ درصد و در دوره ترامپ ۳۰ درصد). این نشان می‌دهد که ایالات متحده به عنوان یک حکومت الگو در میان سایر حکومت‌های دنیا سقوط کرده است و دیپلماسی لیبرال دموکراسی خود را در حال ضعف می‌بیند. انقلاب اسلامی ایران با تولید شعار احیاء و گسترش ارزش‌های دینی در برابر سلطه‌طلبی آمریکا در منطقه غرب آسیا به عنوان کنشگر جدی عرض اندام کرد و هیمنه و هژمونی آمریکا را در منطقه غرب آسیا با شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی با چالش جدی مواجه کرده است (ره‌دار، ۱۳۹۹/۰۸/۰۸).

در حال حاضر، آمریکا به عنوان سردمدار اصلی لیبرال دموکراسی و تمدن غرب است و هرگونه تقابل با این رویکرد، برخوردی تمدنی با هژمونی آمریکا را به دنبال خواهد داشت، این در حالی است که لیبرالیسم توانست اندیشه‌های تفکر رقیب خود یعنی کمونیسم را با شکست مواجه سازد، محور مقاومت اسلامی با بهره‌گیری از گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان عامل اصلی ایفای نقش مقابله با هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱/۱۰/۰۹). ساماندهی گروه‌های محور مقاومت از سوی سپاه قدس پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان پیشران سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا. ایران و افزایش توان بازدارندگی قدرت محور مقاومت اسلامی در برابر سیاست‌های استعماری آمریکا در منطقه غرب آسیا است که به بسط گفتمان محور مقاومت، مقابله با حصر ژئوپولیتیکی و تغییر هندسه قدرت کنونی در غرب آسیا جهت مقابله با هژمونی آمریکا صورت گرفته است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۱۰۶). با افزایش نقش یک متغیر و کنشگر فعال در منطقه غرب آسیا (محور مقاومت اسلامی)، شاهد به چالش کشانده شدن سیاست‌های استعماری آمریکا در منطقه راهبردی غرب آسیا هستیم و در واقع با قدرت‌گیری یک متغیر، متغیر دیگر در انزوا قرار می‌گیرد.

۲. محور مقاومت و دیپلماسی عمومی

محور مقاومت اسلامی در دیپلماسی عمومی با مجموعه‌ای از شاخص‌هایی هم‌چون انتقال ارزش‌ها، سیاست خارجی فعال و پیگیری منافع خارجی ملت‌ها مواجه شده است. مواردی هم‌چون حمایت از منافع ملت فلسطین، تنش زدایی در درون منطقه غرب آسیا، ایراد سخنرانی در مجامع عمومی بین‌المللی (مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر) از جمله دستاوردهایی است که با گسترش قدرت روز افزون محور مقاومت اسلامی شاهد ریزنی‌ها و مبادلات دیپلماتیک در عرصه بین‌الملل از سوی محور مقاومت اسلامی در راستای احقاق حق ملت‌های مظلوم و تحت ستم منطقه است (Brownlee and Reynolds, 2013: 30). حمله به افغانستان و عراق، تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای غیرهمسو، خروج از برجام و نقض تعهدات برجامی، ایجاد داعش و حمایت‌های لجستیکی و میدانی از آن، راه‌اندازی عملیات ترور با همکاری سرویس‌های جاسوسی داخلی و خارجی و به شهادت رساندن دانشمندان هسته‌ای ج.ا. ایران، هم‌افزایی در بین کشورهای اسلامی با شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی با محوریت ایران، از جمله مواردی است که یک‌جانبه‌گرایی و دیپلماسی لیبرال دموکراسی آمریکا را در غرب آسیا با چالش جدی مواجه کرده است (سعیدی راد و همکاران،

۱۳۹۸: ۸۸). محور مقاومت اسلامی با حضور رهبران و تئوریسین‌های فکری و فرهنگی در صدد به کارگیری نقش مؤثر و کارآمد در سطح منطقه و عرصه بین‌المللی است و با انسجام بخشیدن به الگوهای اسلامی در بین اعضای خود به دنبال دیپلماسی فعال در ورای مرزهای ملت‌های خود است تا از رهگذر آن بتواند سیاست خارجی فعالانه در روابط بین‌الملل را ایفا کند. این محور به عنوان یک گفتمان مردم‌نهاد، علاوه بر نقش آفرینی در کنار سایر دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی به دنبال گسترش فعالیت‌های منطقه‌ای خود در سطح بین‌الملل می‌باشد و به تبع آن در قامت یک دیپلماسی عمومی ایفای نقش خواهد کرد (رستمی، ۱۳۹۴: ۳۵).

تغییرات در محیط استراتژیک خاورمیانه با تاثیرگذاری برخی از بازیگران غیردولتی مانند گسترش نقش حزب‌الله، القاعده در عربستان، نظامیان شیعه در عراق و برخی از جنبش‌های افراط‌گرایانه سنی مانند جبهه‌النصره، داعش همراه بوده است. گفتمان محور مقاومت اسلامی با حذف عوامل مزاحم در صدد ارائه دیپلماسی اسلامی و جهانی‌سازی آن می‌باشد. محور مقاومت اسلامی با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی توانسته نقش بازیگران اخلاط‌گر و مزاحم در منطقه غرب آسیا از جمله؛ القاعده، داعش و جبهه‌النصره را کم‌رنگ‌تر کند و به عنوان یک بازدارنده اصلی در مقابل سیاست‌های ناامن‌کننده این گروه‌ها ایستادگی کند (Cordesman, 2015: 15).

محور مقاومت به عنوان ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای، شامل مجموعه‌ای از بازیگران دولتی (ایران، سوریه و عراق) و غیردولتی (حزب‌الله لبنان و حماس) است که منافع مشترک هویتی و ایدئولوژیک دارند و تلاش می‌کنند با سیاست‌های استقلال‌جویانه و مقاومت محور خود، نظام سلطه با محوریت ایالات متحده آمریکا را به چالش بکشانند، محور مقاومت اسلامی در مقطع کنونی با استفاده از همگرایی موجود در بین اعضای خود در صدد به کارگیری دیپلماسی گفتمانی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است تا از رهگذر این اقدام بتواند به کارآمدی و انعطاف‌پذیری مقاومت اسلامی در عرصه بین‌المللی جلوه‌ای تازه ببخشد.

۳. شکل‌گیری قدرت نوظهور جهانی

محور مقاومت بر این مبنا معتقد است که هویت اسلامی واقعیت جدید سیاست بین‌الملل را تشکیل می‌دهد و زبان سیاسی گفتمان اسلامی را می‌توان انعکاس ظهور ادبیات مقاومت اسلامی در روابط بین‌الملل دانست، بنابراین محور مقاومت با تکیه بر آموزه‌های اسلامی بعد ایدئولوژیک و جهانی‌بینی متفاوت، هژمون جهانی را به چالش کشیده است و این در بلندمدت،

ضعف هژمون را در پی خواهد داشت که به تبع آن شاهد شکل‌گیری قدرتی نوظهور از جنس محور مقاومت اسلامی در عرصه بین‌الملل خواهیم بود که تبدیل به عاملی مؤثر در جهت انسجام جنبش‌های غرب آسیا و مقابله با هژمون برتر شده است.

۱-۳. تقویت روحیه وحدت طلبی و سلطه ستیزی

مهم‌ترین موضوع در هژمونی عنصر رضایت و پذیرش ارزش‌های سیاسی است؛ ایالات متحده توانسته این رضایت را در نتیجه جهانی شدن به دست بیاورد، اما اکنون با روحیه وحدت و ظلم ستیزی در جهان اسلام با محوریت مقاومت اسلامی، هژمونی آمریکا در غرب آسیا با چالش جدی مواجه شده است. حمله آمریکا به عراق و افغانستان، زمینه‌ای برای افول آمریکا در قرن ۲۱ شد که براساس زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و دینی مشترک در غرب آسیا و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی تسریع داده شد (حسینی خامنه، ۱۳/۰۶/۱۳۹۳). هراس از حضور و افزایش نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا، نشان از توان اجماع‌سازی ج. ا. ایران با سایر اعضای محور مقاومت جهت تحکیم بخشی به مقابله با سلطه‌طلبی آمریکا در منطقه غرب آسیا است. قابلیت هم‌گرایی نهفته در انقلاب اسلامی در مقطع بیداری اسلامی، توانسته است الگویی برای ملت‌های منطقه غرب آسیا جهت اتخاذ رویکرد دفاعی در مقابل هژمونی برتر آمریکا باشد و دستاویزی برای سایر جنبش‌های اسلامی (حماس، حزب الله، حوثی‌های یمن و ملت‌های عراق و سوریه) شد تا به انسجام و وحدت لازم نائل شوند (امین فرد، ۱۳۹۸). محور مقاومت اسلامی از یک طرف با ماهیت دینی، آزادی‌خواهانه، ضد استعماری، ضد سرمایه‌داری، استقلال‌طلبانه و هویت بخشی خود باعث ارائه و ترویج عناصر برانگیزاننده‌ای در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی خاورمیانه شده و به عنوان یک الگوی نوظهور قدرت در عرصه جهانی ظهور کرده است. محور مقاومت اسلامی با بهره‌گیری از انقلاب اسلامی در چارچوب هویت‌گرایی اسلامی، زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی جنبش‌های اسلامی را فراهم آورده است (Golmohammadi, 2019). غرب آسیا در طی چند دهه اخیر جولانگاه رخدادها و رویدادهای مهمی از نوع مقاومت و ایستادگی بوده است که در این میان نیاز به نقطه اتصالی همانند محور مقاومت بود تا کانون انسجام و اتحاد برای ملت‌های منطقه غرب آسیا باشد و از این رهگذر در حال حاضر هژمونی برتر آمریکا در غرب آسیا با افول تدریجی مواجه شده است.

۲-۳. مقابله با هژمون برتر

محور مقاومت اسلامی به تبعیت از انقلاب اسلامی و با تکیه بر گفتمان اسلامی و با شعار «نه شرقی، نه غربی» علاوه بر این که نظام سلطه به سرکردگی آمریکا را به عنوان بزرگ‌ترین دشمن و دگر خود معرفی کرد، حامل یک جهان‌بینی نو و یک مجموعه غنی از ارزشهای فرهنگی و یک شیوه زیست اجتماعی متفاوت است که مورد توجه ملت‌های منطقه غرب آسیا قرار گرفته است و موجب پیدایش و رشد طیف‌های جدیدی از مقاومت با بهره‌گیری از انقلاب اسلامی گردید که تلاش می‌کنند جایگاه سیطره طلبی و هژمونی قدرت‌های جهانی (از جمله آمریکا) را به نقد بکشاند (Tellis, 2020: 2). در گفتمان مقاومت فرض بر این است که گفتمان مدرنیزاسیون برخی از نیروهای اجتماعی را در جوامع اسلامی به حاشیه رانده یا سرکوب کرده است، محور مقاومت اعتقاد دارد که اگر جهان در قرن‌های متمادی عرصه غلبه سلطه‌گران بوده است، دیگر این به حاشیه رفتگان هستند که با تکیه بر آرمان‌های اسلامی از حاشیه به متن آمده‌اند و مدعی رهبری امور و داشتن حق تعیین سرنوشت خویش هستند. اسلام سیاسی روایتی است که این نیروهای اجتماعی از اسلام به دست می‌دهند و به این ترتیب گفتمان مسلط غربی را به چالش می‌کشند. مهم‌ترین ویژگی این گفتمان به دست دادن روایتی سیاسی از اسلام است (محمدی، ۱۳۹۲: ۷).

حضور و نقش‌آفرینی اقتصادی چین در غرب آسیا، اتحادهای فرامنطقه‌ای بین روسیه و ایران، خروج تدریجی آمریکا از افغانستان، حضور ایران در سازمان همکاری منطقه‌ای شانگ‌های؛ از جمله مصادیقی است که هژمونی آمریکا را در غرب آسیا مورد چالش جدی قرار داده است.

۴. اثربخشی قدرت محور مقاومت بر افول هژمونی آمریکا

افول هژمونی آمریکا، مهم‌ترین موضوعی است که در طی دهه‌های اخیر به اشکال مختلف مورد اذعان مقامات و کارشناسان آمریکایی قرار گرفته است و به زعم تحلیلگران و سیاستمداران، محور مقاومت اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین دشمن بزرگ افول هژمونی آمریکا در غرب آسیا قلمداد می‌شود.

۴-۱. شکل‌گیری موج آمریکاستیزی در غرب آسیا

جهت‌گیری تقابلی، یکی از مهم‌ترین الگوهای سیاست خارجی محور مقاومت در برابر نظام سلطه است و هم‌چنین بر مبنای مرادفات با کشورهای است که نشانه‌های ایدئولوژیک، ادراکی، فرهنگی و راهبردی به نسبت مشابهی با این محور دارند. کشورهای غربی به عنوان نماد مقابله با هویت و اهداف راهبردی کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند؛ بنابراین طبیعی

است که مقاومت گرایی، قدرت و هویت کشورهای اسلامی در برابر سیاست‌های جهان غرب سازماندهی شود (استفن، ۱۳۹۰: ۵۲). آمریکا بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی برتری خود را در جهان گسترش داد و برخی صاحب نظران این راناشی از فروپاشی شوروی می‌دانند. تنوع زیادی در نظریه‌پردازی در مورد افول آمریکا وجود دارد. افول قدرت آمریکا به معنای کاهش جذابیت و مشروعیت این بازیگر برتر در سیستم بین‌المللی است (رژیلمه و پاریسوت، ۲۰۱۷: ۸). چامسکی بر این اعتقاد است که آمریکا با اقدامات اخلاقلنگری و فعالیت‌های خرابکارانه در کشورهای مختلف جهان به مرحله افول تدریجی خود نزدیک شده است و این یکی از واقعیت‌های موجود صحنه روابط بین‌الملل است (چامسکی، ۱۳۹۱: ۷۰). زمان نقش آفرینی مؤثر آمریکا در عرصه‌های مختلف در سطح روابط بین‌الملل به پایان رسیده است و این نقش دیگر کارآمدی و اثرگذاری سابق را نخواهد داشت (استفن، ۱۳۹۰: ۶۱). بحران در نظام اقتصادی، افزایش موج آمریکا ستیزی در منطقه غرب آسیا و حمله به عراق و افغانستان از جمله عوامل و نشانه‌هایی هستند که باعث افزایش ززمه‌های افول تدریجی قدرت آمریکا در مجامع علمی جهان شدند. محور مقاومت ضمن عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها آمریکا از کانال‌های مختلف از جمله سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای افشای اقدامات ظالمانه نظام سلطه و به چالش کشیدن این نظام استفاده می‌کند (آدمی و قرشی، ۱۳۹۴: ۲۱۳). با توجه به اتفاقات اخیر و به خصوص بحران‌هایی که در خاورمیانه شکل گرفته، آمریکا سعی دارد با دخالت‌های نظامی خود از جمله حمله به عراق، بحران سوریه، یمن و... جایگاه قبلی خود را در نظام بین‌الملل باز یابد، ولی شواهد دال بر این است که این دخالت‌ها نه تنها نشانه شاخص هژمونی آمریکا نیست، بلکه در جهت عکس عمل کرده است. اگنیو با مصداق آوردن حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ استدلال می‌کند که تجاوزات نظامی آمریکا به سرزمین‌های دیگر در سال‌های اخیر شاخص هژمونی آن نیست؛ بلکه برعکس نماد ضعف آن در ایجاد هژمونی است (پادروند و زنگنه، ۱۳۹۸).

بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا شدت و حدت بیش‌تری به خود گرفت و به دنبال آن واکنش ملت‌های منطقه را برانگیخت. بیداری اسلامی با شروع جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی در غرب آسیا، حضور استعماری آمریکا را با چالش مواجه کرد و موجی از آمریکا ستیزی در منطقه علیه منافع آن شکل گرفت که محور مقاومت اسلامی الگویی کاملی از گسترش موج ستیز و مخالفت با حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است (Zenko).

(2018) آمریکا قبل از شکل‌گیری محور مقاومت به نحو مطلوب و بدون هیچ خللی در غرب آسیا به منافع ملی خود نائل می‌شد ولی بعد از گسترش محور مقاومت اسلامی شکل دیگری از قدرت در غرب آسیا جهت موازنه با منافع آمریکا در غرب آسیا شکل گرفته که تمامی منافع آمریکا را با چالش مواجه و زمینه تدریجی افول هژمونی آمریکا را فراهم کرده است.

۲-۴. نفی هژمونی آمریکا

آمریکا نیز مانند دیگر بازیگران عرصه روابط بین‌الملل دوره مخصوصی از مراحل قدرت، بلوغ و سقوط سیاست‌ها را سپری می‌کند و متناسب با بحران‌های مختلف اوضاع و موقعیت‌های گوناگون را تجربه کرده است و این عامل سبب شده است که بسیاری از تحلیل‌گران و اندیشمندان با در نظر گرفتن موجودیت و هم‌چنین شکل‌گیری قدرت‌های نوظهور بین‌المللی، به بحث پیرامون روند افول قدرت هژمونی آمریکا بپردازند (دهشیری، ۱۳۹۷: ۴۸).

هژمون برای این که بتواند قدرت خود را تداوم بخشد، باید بتواند ایدئولوژی خود را فراگیر کند و از رشد ایدئولوژی‌هایی که ثبات هژمون را تهدید می‌کنند، جلوگیری به عمل آورد. محور مقاومت ضمن طرد ایدئولوژی نظام سلطه، خود حامل ایدئولوژی اسلامی است که در تضاد با ایدئولوژی هژمون قرار دارد. در واقع محور مقاومت با ترویج ایدئولوژی اسلامی یکی از مهم‌ترین شرایط ثبات هژمون را به چالش کشیده است (عباسی، ۱۳۹۹: ۴۸). اکثریت مردم اروپا عقیده دارند، آمریکا در عرصه مبارزه با فقر در جهان، حفظ محیط زیست و حفظ صلح در جهان، بیش‌تر نقش منفی بازی کرده است. کاهش اعتبار آمریکا در دهه‌های اخیر در کل جهان و به ویژه در غرب آسیا شدت یافته است. در افغانستان در عراق و لبنان و پاکستان و... گرایش‌های ضد آمریکایی به عامل مهمی برای پیوستن ملت‌ها در غرب آسیا به گروه‌های جهادی مبارز با آمریکا تبدیل شده است. به هر اندازه که قلمرو نفوذ محور مقاومت گسترش یابد، نظم شیعی به سطحی از موازنه ایدئولوژیکی در برابر نظم آمریکایی دست پیدا خواهد کرد و سطح کنش‌گری ژئوپلیتیکی آمریکایی محدود خواهد شد (Jones, 2020: 11). ایالات متحده آمریکا با هدف چند برابر شدن قدرت خویش و تاثیرگذار بودن اقداماتش در منطقه و جهان، به ایجاد ائتلاف در منطقه خاورمیانه روی آورده است، این اقدام آمریکا اصل دیگری را با خود به همراه دارد و آن ضرورت تأمین امنیت هم‌پیمانان و متحدان منطقه‌ای است، لذا یکی از اقدامات مهم این کشور در منطقه خاورمیانه، ایجاد فضای امنیتی است (Pollack, 2016:16 feb). اکنون دنیای فوکویاما و هانتینگتون در معادله‌ای قرار گرفته که یک سوی آن چهار کشور آمریکا،

انگلیس، آلمان و فرانسه قرار دارند و طرف دیگر کشورها و جریان‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران، عراق، سوریه، حزب الله، حماس، و جهاد اسلامی که سال‌ها خویشتنداری کرده و دیگر حاضر نیستند مجری سیاست‌های ظالمانه و یک‌جانبه نظام سلطه باشند. نظریه هانتینگتون در مورد آمریکا به عنوان ابرقدرت جهان توسط محور مقاومت به چالش کشیده شد و نشان داد که آمریکا در عمل قادر نیست منافع خود را در سراسر جهان گسترش دهد (Wehrey, 2009: 2). در طی چند سال اخیر با ایجاد هم‌افزایی و همکاری در بدنه محور مقاومت اسلامی؛ این محور به مجری جهت به چالش کشانده شدن هژمونی آمریکا در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی در غرب آسیا شده است.

۳-۴. همگرایی و انسجام بخشیدن به روابط قدرت در محور مقاومت

تمدن اسلامی برای پویایی و کارآمدی نیاز به همراهی و همگامی همه ملت‌ها و دولت‌ها دارد تا در مقابل قدرت طلبان و زورگویان بایستد. انعطاف‌پذیری و پویایی یک نظام برگرفته از هویت‌های دینی ریشه در نحوه برخورد با ارزش‌ها و باورهای دینی است. در طی چند دهه اخیر نظام اسلامی به واسطه برخورداری از منابع غنی دینی و محتوایی در زمینه استکبار ستیزی و نفی هرگونه ظلم و ستم، قادر شده در مقابل تمدن غرب عرض اندام کند. نظام اسلامی با بهره‌گیری از متون دینی و مذهبی در صدد احیای هویت گذشته خود از طریق پویا شدن، مطالبه‌گری و انعطاف‌پذیری است که این موضوع مطلوب غرب نیست و تنازع در بین دو تمدن جهت ادامه بقا وجود خواهد داشت (Nalado, 2012). هندسه در حال تغییر خاورمیانه، که از یک طرف ظرفیت کنش‌گری بازیگران غیردولتی به موازات تحولات سیاسی جدید گسترش یافته و از طرف دیگر معادلات قدرت بین دولتی در حال دگرگونی است، می‌توان رشد و نفوذ محور مقاومت اسلامی را بستر و ظرفیتی برای شکل‌گیری اتحادها و ائتلافات استراتژیک علیه هژمونی آمریکا و پویایی و کارآمدی نظام اسلامی دانست که به هم‌گرایی و هم‌افزایی بین ملت‌های منطقه تبدیل شده است. انقلاب اسلامی و تحولات بعد از آن (بیداری اسلامی و اجماع ملت‌های منطقه غرب آسیا علیه سیاست‌های استعماری آمریکا) به محور مقاومت اسلامی منتهی شد که تمامی زوایای وجودی تمدن غرب را به چالش کشانده است (خرمشاد، ۱۳۹۷: ۴۰-۳۹). در گذشته روابط قدرت در غرب آسیا شاهد تفرق، چندپارگی و انشقاق بود، چراکه قدرت واحد و متمرکز در منطقه موجود نبود تا عامل انسجام سایر جنبش‌ها شود، ولی در چند دهه اخیر با شکل‌گیری قدرت محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا، شاهد موجی از همگرایی و انسجام بخشی با محوریت قدرت

مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا هستیم تا در مقابل رویکرد هژمون طلب آمریکا در منطقه عرض اندام کند.



نمودار ۱: زمینه‌های افول تدریجی هژمونی آمریکا

نتیجه‌گیری

شاخص‌ها و عوامل زیادی در کاهش قدرت، جذابیت و مشروعیت آمریکا در طی دهه اخیر دخیل و تاثیرگذار هستند که از جمله می‌توان به زوال اعتبار سیاست خارجی آمریکا، کاهش نفوذ سیاسی و اقتصادی آمریکا بر روی متحدانش، یک‌جانبه‌گرایی و ضعف ایدئولوژی لیبرالیسم اشاره کرد، ولی با شکل‌گیری و گسترش قدرت رو به رشد محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا، شاخصه‌های افول هژمونی آمریکا روند سریع‌تری به خود گرفته‌اند تا جایی که می‌توان شاهد شکل‌گیری نظم نوینی در سطح بین‌الملل بود. انقلاب اسلامی ایران تاثیرات بسیار زیادی در تحولات منطقه و جهان داشته است که منجر به شکل‌گیری موج بیداری اسلامی در غرب آسیا شد، به تبع آن جنبش‌های بیداری اسلامی با هدف استکبارستیزی و طرد هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا شکل گرفت که همگی با بهره‌گیری از مولفه‌های دینی و جهانی انقلاب اسلامی ایران قدرت بین‌المللی محور مقاومت اسلامی را به منصفه ظهور و بروز رساند. در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش حاضر باید روند شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت اسلامی و تأثیر آن بر افول هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا را بدین صورت تحلیل و تبیین کرد؛ با شکل‌گیری

انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ شاهد شکل‌گیری موج اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در سطح منطقه غرب آسیا بودیم که نتایج و پیامدهای کوتاه‌مدت و متعددی برای ملت‌های منطقه داشت که باعث شکل‌گیری تحولات بیداری اسلامی و روحیه استکبارستیزی و عاملی برای انسجام و قوام ائتلافات منطقه‌ای در غرب آسیا و خاورمیانه شد. نتایج بلندمدت انقلاب اسلامی را می‌توان در طی چند دهه اخیر در شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت با روحیه ضد هژمونی و استکبارستیزی به شمار آورد که منجر به افول و طرد تدریجی هژمون آمریکا در منطقه غرب آسیا شده است.

فهرست منابع

۱. استفن، ام. والت (۱۳۹۰). پایان عصر آمریکایی، ترجمه محمود سبزواری، ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۱۰۲، صص ۶۷-۴۹.
۲. اسلامی، محمد؛ داوند، حجت (۱۳۹۷). تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۱، ص ۷۹.
۳. امین فرد (۱۳۹۸). پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز دوران جدیدی برای فقه شیعه، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۳(۷۸)، ۱۷۸-۱۶۱.
۴. آدمی، علی و سیده مهدیه قرشی (۱۳۹۴). افول قدرت نرم آمریکا؛ شاخص‌ها و مولفه‌ها، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۱۴، صص ۲۴۰-۲۰۳.
۵. بصیری، محمدعلی؛ مجیدی نژاد، موسی (۱۳۹۶). بررسی تهدیدهای امنیتی داعش در محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۲۶-۷.
۶. پیرانی، شهره؛ رضوی، سید عبدالله (۱۳۹۹). «بررسی پارامترهای سیاسی - اقتصادی افول ایالات متحده آمریکا»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۲۴-۸۱.
۷. پادروند، مهدی؛ زنگنه، زهرا (۱۳۹۸). «بحران‌های خاورمیانه و دیپلماسی امنیت انرژی چین» (مطالعه موردی سوریه)، اولین همایش بین‌المللی مطالعات چین، دانشگاه تهران، خرداد.
۸. جهانگیری، سعید؛ فرجان فر، مهسا؛ متقی، ابراهیم (۱۳۹۹). «واکاوی چگونگی افول هژمونی آمریکا در عرصه جهانی با تأکید بر ویروس جهانی (از منظر حقوقی - سیاسی)»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۹۳-۷۳.

۹. چامسکی، نوآم (۱۳۹۱). شیوه سلطنتی: چشم‌انداز افول آمریکا، ترجمه ملتی، مرتضی، ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۱۰۶، صص ۷۹-۸۹.
۱۰. چگگی زاده، غلامعلی (۱۳۹۲). ایران، جهان اسلام و تغییر در هندسه قدرت بین‌المللی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۷، صص ۶۹-۹۲.
۱۱. حسینی‌خامنه، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۶/۱۳). دیدار با اعضای مجلس خبرگان {سخنرانی} <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27356>
۱۲. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۹). صحیفه آنلاین امام خمینی (ره)، ج ۱۰، تارنمای جامع امام خمینی (ره).
۱۳. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر نظام بین‌الملل، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۵، صص ۳۱-۵۵.
۱۴. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷). افول قدرت نرم آمریکا؛ دلایل و پیامدها، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شمار ۱۹، صص ۳۵-۶۸.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱/۱۰/۰۹). جنگ گفتمانی برسر پیچ تاریخی {گفت و گو} <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=21806>
۱۶. رستمی، محمدرضا (۱۳۹۴). ناکارآمدی رویکردهای سنتی در تبیین تحولات خاورمیانه: بایدها و نبایدها در سنت‌های مطالعاتی خاورمیانه، بنیاد نخبگان نیروهای مسلح، گزارش فعالیت تحقیقاتی برای نخبگان نیروهای مسلح.
۱۷. رهدار، احمد (۱۳۹۹/۰۸/۰۸). نقش انقلاب اسلامی در افول آمریکا {نشست علمی} <https://925379.www.hawzahnews.com/news/>
۱۸. ساعی، احمد؛ ترابی، قاسم (۱۳۹۸). «نظریه ثبات هژمونیک و بحران در نظام اقتصاد جهانی»، فصلنامه سیاست، شماره ۴۰، صص ۱۶۳-۱۴۳.
۱۹. سعیدی راد، آرش و همکاران (۱۳۹۸). آینده قدرت نرم ایران و آمریکا در غرب آسیا، تهران؛ انتشارات شهر یاس.
۲۰. عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی جنبش حزب الله لبنان و انصارالله یمن، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۱.
۲۱. عباسی، مجید (۱۳۹۹). «بازتاب‌های سازه‌انگاران انقلاب اسلامی ایران بر تحولات انقلابی جهان عرب»، فصلنامه بیداری اسلامی، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۳۳-۵۷.

۲۲. فوکو، میشل (۱۹۷۹). انبار باروتی به نام اسلام، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه محمدباقر خرمشاد، تهران: انتشارات باز، صص ۳۲-۲۸.
۲۳. کچوئیان، حسین (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ، بیداری اسلامی در بهار عربی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۲۴. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). رویارویی غرب با جهان اسلام، تهران: پژوهشکده فرهنگ و انقلاب اسلامی.
۲۵. مطلبی، محسن؛ طاقتی، علیرضا؛ عفرای، محمدرضا (۱۳۹۶). ظرفیت سنجی جنبش انصارالله یمن در عمق بخشی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۱.
۲۶. محمد میرزایی، حسن (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر افول هژمونی آمریکا»، فصلنامه بیداری اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۵۴-۲۹.
27. Wehrey, Frederic (2009). Saudi-Iranian Relations Since the Fall of Saddam: Rivalry, Cooperation, and Implications for U.S. Policy, Santa Monica, CA: RAND Corporation National Security Research Division.
28. Regilme Salvador Santino F Jr, and James Parisot (2017). Introduction: American Hegemony – Global Cooperation and Conflict” American Hegemony and the Rise of 1Emerging Powers, Abingdon and New York: Routledge. 2017. 3–18
29. M. Pollack, Kenneth, Fight or flight (2016). America’s choice in the Middle East: <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2016/02/16-americas-choice-inmiddle-east-pollack>.
30. Jones, S (2020). Containing Tehran Understanding Iran’s Power and Exploiting Its Vulnerabilities, Center for Strategic & International Studies, January 2020. Available at: <https://www.csis.org/analysis/containing-tehran-understandingirans-power-and-exploiting-its-vulnerabilities>.
31. Cordesman, Anthony (2015). " The Changing Security Balance in the Gulf". Center for Strategic and International Studies, at: <http://csis.org/program/changing-securitybalance-in-the-Gulf>.

32. Brownlee, Jason, Tarek Masoud and Andrew Reynolds (2013). Why The Modest Harvest, Journal of Democracy. Vol.24, No.4.
33. Nalado, D(2012). Current Global Islamic Awakening is an Offshoot of the Islamic Revolution in Iran, at: http://www.islamicmovement.org/index.php?option=com_content&view=article&id=260:current-global-islamic-awakening-is-an-offshoot-of-the-islamic-revolution-in-iran-prof-yahaya&catid=41:frontpage.
34. Kennedy, Paul (1989). The Rise and Fall of the Great Powers: Economic Change and Military Conflict from 1500 to 2000, London: Harper Collins Publishers.
35. Regilme, Salvador Santino F. Jr (2019). The Decline of American Power and Donald Trump: Reflections on Human Rights, Neoliberalism, and the World Order. Geoforum, (102) June: 157-166. P (159)file:///C:/Users/armita/Downloads/2019Trumpforposting.pdf.
36. Golmohammadi, V (2019). The foreign policy of the Islamic Republic of Iran: Prospects for change and continuity. All Azimuth: A Journal of Foreign Policy and Peace, 8(1), 93-102
37. Zenko, M (2018). US Military policy in the Middle East. London, UK: Chatham House Research Paper.
38. Tellis, Ashley J (2020). "Covid-19 Knocks on American Hegemony", Carnegie Endowment for International Peace, 1-10.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی